

حضور و سخنرانی نمایندگان نهضت آزادی ایران

در سمینار فراکسیون پارلمانی حزب سبزهای آلمان

۱- مقدمه

مختصری درباره حزب سبزها یا ائتلاف دو حزب اتحاد ۹۰ (Bundinis90) و سبزها (Die Grunen) در اوایل دهه ۱۹۸۰، یک جنبش اعتراض مردمی علیه آلودگی محیط زیست و مبارزه برای ایجاد تعادل در محیط زیست آغاز شد. در طی سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۰ این جنبش گسترش فراوانی پیدا کرد و به یک حزب سیاسی تبدیل شد. به طوری که در انتخابات مجلس در سال ۱۹۹۰ شرکت نمود و چند نفری از این حزب به نمایندگی انتخاب شدند. در همان سال به دنبال متلاشی شدن اتحاد جماهیر شوروی سابق و فروپاشی دیوار برلن و وحدت دو آلمان، جنبش سبزها نیز دچار تغییراتی شد. حزب سبزها از آلمان غربی با حزب اتحاد ۹۰ از آلمان شرقی سابق، که آنها نیز هشت نماینده در پارلمان واحد آلمان داشتند، به هم نزدیک شدند و در سال ۱۹۹۳ حزب جدیدی را اعلام کردند و مشترکاً در کارزار انتخاباتی شرکت نمودند که با فرستادن ۴۹ نماینده به مجلس فدرال، به سومین گروه پارلمانی تبدیل شدند. نمایندگان این حزب، از جوان‌ترین نمایندگان مجلس هستند. ۲۸ نماینده از ۴۹ نماینده را زنان تشکیل می‌دهند. اولین نماینده ترک‌تبار پارلمان آلمان از جانب این حزب به پارلمان راه یافته است.

مواضع عمده این حزب عبارتند از: تأکید بر مسائل اجتماعی و محیطی، نظیر حفظ محیط زیست و مبارزه با انواع آلودگی‌های محیطی، عدم به‌کارگیری خشونت در حل تعارضات اجتماعی - سیاسی، دفاع از حقوق انسانی پناهندگان خارجی به آلمان، لغو خدمت سربازی اجباری، مبارزه برای تحقق حقوق و آزادی‌های اساسی بشر، خصوصاً برای زنان تنها در آلمان بلکه در سایر کشورهای طرف معامله با آلمان. در سیاست خارجی آنها خواستار تجدیدنظر در ساختارهای امنیتی اروپا، نقش آلمان جدید در سیاست‌های کلان قاره اروپا، تغییر و ترمیم مقررات تجارتي کشورهای صنعتی جهان با کشورهای در حال توسعه، به نفع گسترش این کشورها می‌باشند.

در سال گذشته، سمینار بین‌المللی اروپا و جهان اسلام، به ابتکار اتحادیه اروپا و به دعوت دولت آلمان قرار بود با شرکت دهها نفر از متفکرین جهان اسلام در بن برگزار شود. دبیرکل نهضت آزادی نیز برای شرکت در این کنفرانس دعوت شده بود. این کنفرانس به علت مخالفت نمایندگان مجلس فدرال آلمان، از جمله حزب سبزها، به حضور وزیر امور خارجه دولت ایران برگزار نشد. اعتراض نهضت آزادی ایران به سیاست حزب سبزها در این مورد به آنها منتقل گردید. فراکسیون پارلمانی حزب سبزها اظهار تمایل و علاقه خود را به دعوت نمایندگان نهضت آزادی برای شرکت در سمیناری که در بن برگزار می‌شد، ابراز نمود. نهضت آزادی ایران این دعوت را پذیرفت و در سمینار شرکت نمود.

بنا به دعوت فراکسیون پارلمانی حزب سبزهای آلمان آقای دکتر یزدی، دبیرکل نهضت آزادی ایران به اتفاق آقای دکتر غلامعباس توسلی، در سمینار یک روزه این حزب (۸ تیرماه ۷۵ برابر با ۲۸ جون ۹۶) درباره روابط اروپا و جهان اسلام، اوضاع ایران و سیاست خارجی آلمان شرکت نمودند. گزارش مختصر این سفر در دو بخش به شرح زیر می‌باشد:

۲- مراسم آشنایی با اعضای پارلمانی سایر احزاب در روز جمعه هنگام صرف نهار:

حاضرین: از حزب سبزها: خانم Amke Dietert - Scheuer و آقایان:

Dr. Johannes Reissner - مشاور سیاسی - دیپلماتیک حزب یا گروه ائتلافی اکثریت.

Steffen Tippach از حزب سوسیالیست دموکراتیک (PDS)

Dr. Guntram Von Schenck از حزب دموکراتیک اجتماعی یا (SPD)

Dr. Hans Dieter Heumann از حزب دموکراتیک آزاد یا (FDP)

خلاصه‌ای از گفت‌وگوها:

اولین موضوعی که مطرح شد این بود که دولت آلمان تحت فشار آمریکا و اسرائیل برای پیوستن به آنها در مقابل ایران می‌باشد. دولت آلمان نمی‌خواهد زیر بار برود، اما نمی‌داند چه باید بکند، گفت‌وگوی انتقادی (Critical Dialogue) خوب است اما چه هدف‌هایی را در کوتاه‌مدت و یا درازمدت دنبال می‌کند، و چه کار باید کرد، برای همه روشن نیست. ایران از اهمیت استراتژیک ویژه‌ای در منطقه و خلیج فارس برخوردار است.

آلمان به خصوص و اروپا به‌طور عام، نیاز به روابط خوب با ایران دارد. باید در تماس بود و گفت‌وگو کرد. در غیر این صورت تنها آلت‌رناتیو، قطع گفت‌وگو و روابط است که منجر به انزوای ایران می‌شود. اما معلوم نیست نتایجی به نفع آلمان دربرداشته باشد.

اما از طرف دیگر منتقدان گفت‌وگوی انتقادی می‌گویند، مباحثه محصولی نداشته است. دولت با آقای لاریجانی و سایر مقامات مذاکرات گسترده داشته است بدون آنکه نتایج ملموسی به بار آورده باشد. ما مطرح کردیم که سیاست گفت‌وگوی انتقادی خوب است و بهتر از تسلیم شدن به سیاست آمریکا است. ما هم آن را تأیید می‌کنیم. اما حداقل برای ما روشن نیست که این گفت‌وگوها چه هدف‌های مشخصی را دنبال می‌کند؟

مشاور سیاسی گروه اکثریت (ائتلاف لیبرال‌ها و دموکرات‌های مسیحی در مجلس) گفت که یکی از موضوعات اساسی جلب نظر ایران در عدم مخالفت با صلح خاورمیانه است.

جواب داده شد که اولاً مانع عمده بر سر راه صلح خاورمیانه، ایران نیست، بلکه خود اسرائیل است. ثانیاً، صلح خاورمیانه، چه منافی برای ملت ایران و ما ایرانی‌ها در پی خواهد داشت؟ و اگر ایران تسلیم شود آیا دولت آلمان با دولت کنونی ایران، صرف نظر از سایر سیاست‌ها، روابط نزدیک‌تری خواهد داشت؟

نماینده مذکور شرحی در مورد اهمیت اقتصادی صلح و ثبات برای کشورهای منطقه ارائه نمود.

۳- سمینار ۸ تیر - ۲۸ جون

در این سمینار، ابتدا درباره مسائل ایران بحث و گفت‌وگو شد. دبیرکل نهضت آزادی ایران، توضیح

داد که نهضت آزادی ایران، انقلاب اسلامی ۲۲ بهمن ۵۷ را یک حرکت مردمی تاریخی و اصیل برخاسته از متن جامعه ایران می‌داند که ادامه مبارزات ملت ایران در طی حدود یک صد سال گذشته عیله استبداد و استیلا خارجی در جهت تحقق دو آرمان آزادی و حاکمیت ملت و استقلال بوده است. نهضت آزادی به آرمان‌های انقلاب معتقد و مؤمن و وفادار است و هم‌چنان در جهت تحقق کامل آنها حرکت می‌کند؛ به نظام جمهوری اسلامی ایران معتقد و به قانون اساسی آن ملتزم می‌باشد. اما با سیاست‌ها و عملکردهای حاکمیت کنونی مخالف است و بخش اعظم آن را انحراف از آرمان‌های انقلاب و اصول مصرحه در قانون اساسی می‌داند. نهضت آزادی با براندازی مخالف است و آن را عملی و مفید به حال ملت و مملکت نمی‌داند، بلکه به استراتژی مبارزه علنی قانونی و مسالمت‌آمیز برای تغییرات تدریجی و گام به گام به سوی تحقق کامل حقوق و آزادی‌های اساسی ملت به شرح اصول مصرح در فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی معتقد است و این استراتژی را عملی، مفید و کارساز می‌داند. به همین دلیل تلاش کرد تا در انتخابات اخیر مجلس ایران شرکت نماید. اما به دلیل موانعی که توسط حاکمیت بر سر راهش ایجاد شد، بالاجبار اعلام انصراف داد. با وجود این، حرکت اخیر نهضت آزادی ایران از پاره‌ای جهات مثبت و گامی به جلو ارزیابی شده است.

در پاسخ به این سؤال که اگر نهضت آزادی به قانون اساسی اعتقاد دارد آیا به ولایت فقیه هم معتقد است؟ گفته شد که نهضت آزادی ایران در نشریه‌ای تحت عنوان «تحلیل و تفصیل ولایت مطلقه فقیه» که در سال ۱۳۶۷ منتشر ساخت نظرات خود را مبسوطاً شرح داده است. ما معتقدیم که در یک جامعه مدنی اصل این نیست که کلیه شهروندان به تمامی قوانین اعتقاد داشته باشند. بلکه اصل این است که همگان باید به قانون، خواه معتقد باشند یا نباشند، ملتزم باشند. نهضت آزادی ایران بارها اعلام کرده است که به قانون اساسی ملتزم می‌باشد. در سال ۱۳۵۸ نیز اعلام نمود که علی‌رغم نواقص، ابهامات، تناقضات موجود در قانون اساسی و موافق نبودن با برخی از اصول آن، به این قانون رأی می‌دهد و داده است. مشکل عمده این است که بسیاری از دولتمردان کنونی و معتقدین به ولایت مطلقه فقیه و حامیان حاکمیت، خود را ملتزم به تبعیت از تمامی اصول قانون اساسی نمی‌دانند و برخی از اصول آن را «دست‌وپاگیر» می‌دانند.

در پاسخ به این سؤال که تا چه میزان به باز شدن تدریجی جو سیاسی جامعه و تأمین حقوق و آزادی‌های اساسی ملت امیدوار هستید، گفته شد که پارامترهای مؤثر همگی از امکان پیروزی این دیدگاه حکایت می‌نمایند. این خوش‌بینی، بر خلاف گمان برخی، متوجه شخصیت‌ها یا گروه‌بندی‌ها و جناح‌های درون حاکمیت نمی‌باشد بلکه ناشی از توجه به اصل انقلاب اسلامی و تاصیرات عمیق آن بر جامعه ایرانی است. باید توجه داشت که این فصل تاریخ میهن ما هنوز به جمع‌بندی نهایی نرسیده است. تأثیرات انقلاب اسلامی در ابعاد گوناگون و عمیق جامعه ما آن‌چنان است که بی‌تردید جهت تحولات به سود تحقق آرمان‌های اصلی انقلاب، یعنی آزادی و استقلال پیش می‌رود. هم‌اکنون، تغییرات و جابجایی در آرایش نیروهای سیاسی مؤثر محسوس و آشکار می‌باشد. مثلاً حوادث دانشگاه‌ها و مواضع انجمن‌های اسلامی دانشجویان در جریان انتخابات و غیره، نشانه‌های بارز این امر است.

در پاسخ به سئوالی پیرامون تناقضات اصولی در قانون اساسی اظهار شد که اولاً قانون بد، بهتر از بی‌قانونی است. ثانیاً تمامی قوانین اساسی دنیا، منعکس‌کننده دو واقعیت می‌باشند. اول فرهنگ ملی

مردم، دوم شرایط ویژه سیاسی - اجتماعی تدوین و تصویب قانون. برای تمام قوانین اساسی دنیا، متمم‌هایی وجود دارد که نشانه آن است که قوانین اساسی در فرایند اجرا و تجربه، نارسایی‌های خود را بروز می‌دهند که تدوین و تصویب متمم‌ها را ضروری ساخته است. قوانین اساسی وحی منزل نیستند و می‌توان بر حسب شرایط و ضرورت‌ها، آنها را با آراء مردم ترمیم نمود. اما انعکاس عملی و ملموس باورها و سنن و فرهنگ ملی در قانون اساسی امری مستمر و اجتناب‌ناپذیر است. قانون اساسی اصلی‌ترین مآخذی است که رابطه دین و دولت را تنظیم و مرزها را مشخص می‌سازد.

در بخش دوم سمینار اصول کلی سیاست دولت فعلی آلمان با دولت ایران و اساس گفت‌وگویی انتقادی مطرح گردید. از طرف نمایندگان عضو حزب سبزها توضیح داده شد که دولت‌های آمریکا و اسرائیل به دنبال انزوای هر چه بیشتر ایران هستند اما دولت آلمان با چنین برنامه‌ای و بایکوت کامل ایران موافق نمی‌باشد. آلمان علائق اقتصادی، نظیر نفت در منطقه دارد و نقش ایران را در منطقه حساس می‌داند. حزب سبزها از سیاست دولت آلمان انتقاد دارد. گفت‌وگوهای انتقادی را کافی نمی‌داند، آن را فاقد هدف‌های مشخص می‌داند، اگرچه هدف عمده دولت آلمان نقش ایران در منطقه، بخصوص صلح خاورمیانه است.

نمایندگان نهضت آزادی در مورد علل و انگیزه حزب سبزها در مخالفت با کنفرانس بین‌المللی اسلام و اروپا سؤال کردند. آنها جواب دادند که با حضور وزیر امور خارجه دولت ایران در کنفرانس، مخالف بودند نه خود کنفرانس. حزب نسبت به اهداف دولت در این دعوت مشکوک بود.

توضیح آن که در سال گذشته، دولت آلمان، از طرف اتحادیه اروپا، مسئولیت برگزاری «کنفرانس بین‌المللی جهان اسلام و اروپا» را پذیرفته بود و برای شرکت در این کنفرانس ده‌ها نفر از متفکرین جهان اسلام دعوت شده بودند. از جمله از آقایان دکتر یزدی، دکتر سروش، دکتر اسکویی و تنی چند از مقامات رسمی نیز دعوت شده بودند. اما به دنبال پیشنهاد و تصویب طرحی مبنی بر ممانعت از شرکت وزیر امور خارجه ایران در این گردهمایی، کنفرانس مذکور ابتدا به تعویق افتاد اما هرگز برگزار نشد.

نمایندگان نهضت آزادی ضمن این که توضیحات نمایندگان حزب سبزها را قانع‌کننده ندانستند و درباره اهمیت ویژه کنفرانس بین‌المللی اسلام و اروپا توضیح دادند که این کنفرانس یک نقطه عطف و اقدام تاریخی در روابط جهان غرب با دنیای اسلام بوده است. مناسبات جهان غرب با دنیای اسلام را می‌توان در چند دوره مشخص بررسی کرد. دوره اول عصر استعمار و سلطه ظالمانه و غارتگرانه دول اروپایی بر کشورهای اسلامی است. شاخصه دوره بعد که از جنگ جهانی دوم شروع می‌شود، استفاده از اسلام به عنوان ابزاری برای جلوگیری از توسعه کمونیسم، بدون توجه به خود اسلام و منافع مسلمانان می‌باشد. دوره سوم با پایان عصر جنگ سرد آغاز می‌شود. در دوران مابعد عصر جنگ سرد روابط جهان غرب با دنیای اسلام به دلیل موقعیت استراتژیک کشورهای اسلامی، منابع طبیعی فراوان و جمعیت بیش از یک میلیارد مسلمان و هم چنین حضور فعال اسلام در آمریکا و اروپا یک پدیده اجتناب‌ناپذیر شده است. این روابط هنگامی ثمربخش و مفید برای هر دو طرف خواهد بود که طرفین درک درستی از یکدیگر داشته باشد. از این زاویه است که کنفرانس فوق‌الذکر واجد اهمیت فراوان بوده و نهضت آزادی نیز از دعوت دبیرکل خود به این کنفرانس استقبال نمود. عمل حزب سبزها، در واقع درگذشتن از یک منفعت بزرگ برای دست یافتن به یک فایده کوچک است یا به تعبیری آتش زدن

قیصریه برای یک دستمال محسوب می‌شود.

یکی از حاضرین نیز به بحث پیرامون گفت‌وگوهای انتقادی پرداخت و گفت که سیاست دولت آلمان نه گفت‌وگوست و نه انتقادی، بلکه بیشتر گفت‌وگوهای اقتصادی است. اما اعضاء حزب سبزها معتقد بودند که جنبه اقتصادی برای آلمان در درجه اول اهمیت نیست. یکی دیگر از حاضرین اظهار نظر کرد که بایکوت اقتصادی علیه ایران بی‌اثر است. کما این که در مورد عراق موجب سقوط صدام نشده است بلکه مردم عراق سخت زیان دیده‌اند. در ایران هم نتایج آن چندان روشن نیست.

علاوه بر نکات مذکور، در مورد وضع مطبوعات، دانشگاه‌ها و نویسندگان نیز پرسش‌ها و بحث‌هایی مطرح شد که نظریات نهضت آزادی در چهارچوب آنچه در اعلامیه‌ها و بیانیه‌ها آمده است، ارائه شد.

روابط عمومی

نهضت آزادی ایران

۲۱ مرداد ۷۵